

اعلامیه مطبوعاتی

پس از سقوط المخا... به دست حوثی‌ها؛ سلسله خون‌ریزی و آواره‌گی مردم در سایه حکامی که کتاب الله را پشت سر گذاشته‌اند، ادامه دارد!

(ترجمه)

روز پنج‌شنبه ۲۰۲۶/۰۹/۱۰ م شهر ساحلی المخا با موقعیت استراتژیک در دریای سرخ، به دست حوثی‌ها سقوط کرد. ترامپ، رأس کفر، روز شنبه ۲۰۲۶/۰۹/۱۲ م گفت: «حوثی‌ها از امریکا خواسته‌اند که در یمن دخالت نکنند». او افزود: «ما گفتگوهای داشتیم و حوثی‌ها با ما تماس گرفتند؛ آنان نه خواهان جنگ با ما هستند و نه می‌خواهند ما به آنان حمله کنیم».

این سخنان جدا از نقش ایران مطرح شد. همچنان سخنگوی نیروهای مسلح وابسته به حوثی‌ها، یحیی سریع، گفت: «کشتیرانی بین‌المللی در دریای سرخ مورد آسیب قرار نخواهد گرفت».

این پیامی برای اطمینان دادن به استعمارگران کافر است! پس تلاش‌های نه ساله برای ایجاد و تأسیس «مقاومت ملی با هسته گارد جمهوری» که امارات آن را حمایت کرد و به دستور سرورش، بریتانیا، از آن حفاظت نمود، چه شد؟ تلاش‌هایی که با سقوط المخا و اردوگاه خالد پایان یافت و به وسیله آن، سیطره بریتانیا بر ساحل شرقی دریای سرخ پایان گرفت و سلطه امریکا بر تمام سواحل آن کامل گردید.

نفوذ سیاسی بریتانیا در جزیره عربی در برابر نفوذ امریکا در حال عقب‌نشینی است؛ پس از آن‌که با رسیدن سلمان بن عبدالعزيز به قدرت در عربستان، این کشور را از دست داد و عربستان به یکی از وابستگان امریکا تبدیل شد. امروز امریکا در شمال و جنوب یمن جای پای خود را دارد.

با سقوط شهر المخا، طارق صالح، برادرزاده علی صالح هلاک‌شده که در تمام سال‌های حکومتش در خدمت بریتانیا بود، از جایگاه خود در شورای هشت‌نفره ریاستی کنار زده شد تا دومین بازنده باشد؛ پس از عیدروس الزبیدی، رئیس شورای انتقالی جنوب یمن.

ممکن است کنار زدن اعضای شورای ریاستی که وابسته به بریتانیا دانسته می‌شوند، از سوی امریکا ادامه یابد؛ مگر آن‌که امریکا بتواند آنان را پس از رئیس شورا، رشاد العلیی، به سوی خود جلب کند.

همین وضعیت در صنعا نیز بازتاب یافته است؛ جایی که مشارکت پیروان حزب علی صالح هلاک‌شده با حوثی‌ها کاهش یافته است. این در حالی است که نابودی قدرت نظامی بریتانیا همزمان با ادامه نابودسازی قدرت قبیله‌ای ای است که بریتانیا بر آن تکیه داشت.

آنچه در المخارخ داد، نابودی نیروهای گارد جمهوری بود؛ نیروهایی که وابستگی کامل به بریتانیا نداشتند، زیرا رقبای امریکایی آن‌ها با وارد کردن عناصری مخالف و فرمان‌بردار از دشمنان آن، در ساختار آن نفوذ کرده بودند. همچنین نیروهای «العمالقه» و «درع الوطن» که از نظر وابستگی‌ها یک‌دست نبودند، چند روز پیش از تسلط حوثی‌ها بر المخا به منطقه رسیدند.

شاهدان عینی در میدان نبرد گفته‌اند که نیروهای «درع الوطن» که توسط عربستان ایجاد شده بودند، نخستین نیروهایی بودند که عقب‌نشینی را آغاز کردند و این امر باعث آشفته‌گی صفوف شد. پس از آن، طارق صالح دستور عقب‌نشینی تمام نیروهای خود از همه جبهه‌ها به داخل شهر را صادر کرد؛ اقدامی که او آن را ناشی از «خیانت‌های داخلی و رها شدن از سوی برادران» توصیف کرده بود. پس از آن، حوثی‌ها بدون مقاومت قابل توجه وارد المخا شدند و مقدار زیادی از سلاح‌هایی را که نیروهای عقب‌نشسته بر جای گذاشته بودند، به دست آوردند.

در اینجا نقش ریاض و در پشت آن واشنگتن در هم‌دستی طی هفت روز جنگ آشکار می‌شود؛ دوره‌ای که حوثی‌ها نیروهای خود را به سوی المخا روانه کردند تا ناظران تصور کنند که آنان این شهر را با شایستگی تصرف کرده‌اند. در این مدت، با عدم دخالت هوایی و عدم بمباران نیروهای مهاجم حوثی توسط هواپیماها و با نشان دادن این‌که مشغول بمباران جبهه‌های دیگر در مأرب، الجوف، البیضاء و الضالع هستند، چنین وانمود شد که عملیات دیگری جریان دارد. همچنین دخالت هوایی تا پس از کامل شدن سقوط المخا به تأخیر انداخته شد و شایعه «صندوق مرگ» برای حوثی‌ها منتشر گردید؛ چیزی جز خاک پاشیدن به چشم‌ها نبود.

بر این اساس، آنچه عربستان نتوانست در پاک‌سازی باقی‌مانده وابستگان بریتانیا انجام دهد، اکنون حوثی‌ها انجام می‌دهند. سلسله بیرون راندن نفوذ بریتانیا از یمن همچنان ادامه دارد؛ زیرا پیش از این امارات کنار زده شد، سپس شورای انتقالی جنوب هدف قرار گرفت، و اکنون مقاومت ملی در المخا ضربه خورده است. مرحله بعدی، حزب اصلاح و مناطق نفوذ آن خواهد بود.

بار دیگر خاطره ورود حوثی‌ها به صنعا در تاریخ ۲۰۱۴/۰۹/۲۱ م به یادها بازمی‌گردد و همچنین جلوگیری از ورود نیروهای طارق صالح به حدیده، پس از امضای توافق استکهلم در تاریخ ۲۰۱۸/۱۲/۱۳ م.

آیا اکنون نوبت مأرب و تعز فرا رسیده است؟ دو شهری که در حال حاضر تحت کنترل حزب اصلاح قرار دارند؛ حزبی که در دوران حکومت علی صالح هلاک شده، شریک پنهانی او در اداره کشور بود. این همان حزبی است که اسلام را به عنوان شعار بلند می‌کند تا پیروان خود را با آن فریب دهد، اما در واقع نظام جمهوری سکولار را تطبیق می‌کند و به سازمان ملل مراجعه و از آن حکم می‌گیرد؟!

ما در حزب التحریر، موضع خود را ثابت نگهداشته‌ایم. ما در کنار این ابزارهای محلی درگیر با یکدیگر نمی‌ایستیم؛ چه آن‌هایی که به نام «مشروعیت» شناخته می‌شوند و شامل کنفرانس خارج و حزب اصلاح اند، و چه حوثی‌ها در شمال و دیگر ابزارهای محلی یا مجریان منطقه‌ای؛ مانند امارات که پرورش‌یافته بریتانیا است، و حاکمان آل سعود که خدمت‌گزار آمریکا هستند، یا حاکمان ایران که سرزمین‌های مسلمانان را از شرارت‌های خود پر ساخته‌اند و یا قدرت‌های بین‌المللی درگیر بر سر یمن؛ یعنی آمریکا و بریتانیا. موضع ما برخاسته از عقیده اسلام است؛ یعنی وحدت مسلمانان در چارچوب یک دولت واحد، حکمرانی بر اساس آنچه الله سبحانه و تعالی نازل کرده و رساندن پیام اسلام به جهان به عنوان پیام هدایت و نور.

در مسیر تحقق این هدف، ما راه و سیره پیامبرمان محمد صلی الله علیه وسلم را دنبال می‌کنیم؛ با افشاکردن حکام وابسته و مزدور و مقابله با افکار مخالف اسلام از طریق مبارزه فکری و فعالیت سیاسی.

این همان امر به معروف و نهی از منکر است؛ برای هشدار دادن به امت در برابر کفار و دست‌نشانندگان آنان تا درگیر جنگ و کشتار میان خود نشوند؛ چنان‌که امروز شاهد آن هستیم، بلکه جهت و هدف خود را به سوی کفار استعمارگر، در رأس آنان آمریکا و بریتانیا، متوجه سازند.

سخنان حزب التحریر در آغاز هزاره جدید با اهل ایمان درباره شدت گرفتن نقش‌های کشمکش بین‌المللی میان بریتانیا و آمریکا بر سر یمن، سخنی بی‌هدف یا خیالی نبود؛ بلکه برای هشدار دادن به آنان بود تا در دام این کشمکش‌ها گرفتار نشوند و در برابر آن با حکمت و آگاهی رفتار کنند. این سخنان، هر کسی را که قلبی دارد یا با گوش شنوا به سخن گوش فرا می‌دهد، راهنمایی می‌کند تا خطرات این نزاع، ابزارهای آن را آشکار سازد و آن‌ها را کنار بگذارد و از آنان دوری کند؛ تا در دنیا با سعادت زندگی کنند و در حالی به سوی الله سبحانه و تعالی بازگردند که بشارت‌یافته باشند.

راه‌حل تمام مشکلات یمن و بیرون آوردن آن از چنگال کشمکش بریتانیا و آمریکا که این سرزمین را به خفگی کشانده است، تنها در برپایی خلافت راشده دوم بر منهج نبوت نهفته است؛ خلافتی که اسلام را تطبیق می‌کند، امور مسلمانان را بر اساس آن سرپرستی می‌نماید، خون‌های آنان را حفظ می‌کند، از جنگ‌های داخلی و درگیری‌های بی‌موده میان آنان جلوگیری می‌نماید و حکم را تنها از آن الله سبحانه و تعالی قرار می‌دهد. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةٌ عَلَى مَنَاجِ النُّبُوَّةِ»

ترجمه: سپس خلافتی بر منهج نبوت برپا خواهد شد.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر – ولایه یمن